



08/06/2015

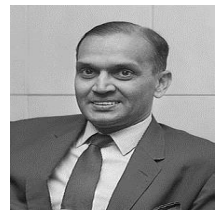
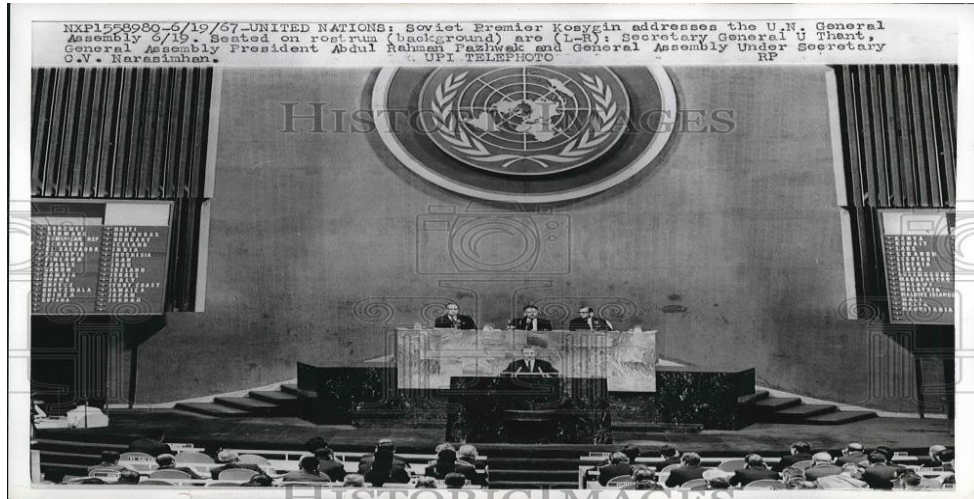
هاشم انوری

به مناسبت بزرگداشت از بیستمین سالگرد وفات استاد پژواک!

من آن خواب پریشانم که تعبیرش نشاید کرد اگر کردند تعبیرم، به هر تعبیر می سازم

حدود یک صده قبل از امروز بتاريخ 07/ مارچ / 1919 مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک سیاستمدار، دیپلمات، شاعر و نویسنده افغان در شهر غزنی افغانستان چشم به جهان گشود و 20 سال قبل از امروز بتاريخ 08 / جون / 1995 این مرد خرد و اندیشه جهان فانی را وداع و به دیار ابدیت پیوست. بيمورد نخواهد بود تا قبل از دوران کودکی، جوانی و کار های پربار استاد پژواک در داخل کشور، از وظایف اخیری جناب شان که در طول 14 سال حیات سیاسی و دیپلماتیک منحصت نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد و در سطح جهانی به سمت های مهمی نائل آمده، شروع نمایم.

فوتوی هذا که در بالایش به متن انگلیسی نوشته شده، نمای از جلسه مجمع ملل متحد در سال 1967 م را نشان میدهد، که ریاست این مجمع را استاد عبدالرحمن پژواک به عهده دارد و الیکسی کوسیگین (1904-1980) صدراعظم وقت اتحاد جماهیر شوروی در حال ایراد بیانیه است. از چپ بر راست آقای پوتانت U Thant (1909-1974) دیپلمات برمائی و سومین سرمنشی عمومی سازمان ملل متحد در سالهای 1961 الی 1971، شخص وسط استاد پژواک و شخص طرف راست آقای چکورتی نارا سیمهان Chakarvarthi Narasimhan (1915-2003) دیپلمات و سیاستمدار هندی که سمت معاونیت سرمنشی ملل متحد را به عهده داشت.



د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

استعداد، ابتکار و عملکرد های پژوهاک در کارزار عرصه دیپلوماسی در دهه 60 و 70 از هر باب چشمگیر بود و به همین منظور وظائف خطیر دیپلوماتیک در صحنه بین المللی بدوش شان گذاشته شد. استاد پژوهاک در سال 1967 میلادی در مقام ریاست عمومی مجمع ملل متحد که دومین مقام عالی در سازمان ملل متحد است، برای یکسال اجرای وظیفه نمود که بدون شک در خور اهمیت و افتخار بزرگ برای افغانستان عزیز است. متعاقباً ایشان منحیث رئیس کمیسیون دفاع از حقوق بشر، رئیس کمیسیون تجدید نظر بر منشور ملل متحد، و در سال بعد به حیث رئیس کمیسیون حل مسئله نامیبیا ایفای وظیفه نمودند.

استاد پژوهاک را میتوان مرد آزادی هم نامید، زیرا وی در سال حصول استقلال کشور عزیز ما افغانستان (1919) میلادی که مصادف به (1298) هجری شمسی در یک خانواده منور و متدین بدنیا آمده است. پدر بزرگوارش قاضی عبدالله که در هنگام تولد استاد پژوهاک در غزنی ایفای وظیفه مینمود، بناً استاد متولد غزنی است در غیر آن زادگاه پدری اش ولسوالی سرخورد ولایت همیشه بهار ننگرهار میباشد. استاد پژوهاک در اوایل وفا تخلص میکرد و بعداً تخلص ارمانجن را برگزید و بلاخره با انتخاب پژوهاک به واقیعت انعکاس دهنده ندای آرمانهای والای جامعه افغانی و کتله بشری گردید.

پژواک دو سال ابتدائی مکتب را در قریه پدری اش شروع، صنف سوم را در ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار و بعداً با قبله گاهش قاضی عبدالله رهسپار کابل شدند و در مکتب اندرابی صنف چهارم را آغاز نمود. دوره ثانوی را عبدالرحمن پژوهاک در مکتب حبیبیه کابل به اتمام رسانید و شامل فاکولته طب کابل گردید، اما نسبت فوت پدر و خرچ روزگار استاد نتوانست در فاکولته دلخواهش یعنی طب ادامه دهد بناً شامل کار در یکی از انجمن های ادبی کابل شد و به حیث ترجمان ایفای وظیفه نمود.

متعاقباً پژوهاک جهت تحصیلات عالی در رشته ژورنالیزم شامل (پوهنتون ایدن بره اسکاتلند Edinburgh) در رشته روابط بین المللی و ژورنالیزم شد. استاد پژوهاک در سال 1319 هجری شمسی مطابق 1940 میلادی در حالیکه 21 سال داشت مسؤلیت شعبه دوم نشرات را در ریاست مستقل مطبوعات که تازه تأسیس شده بود، بدوش گرفت و همزمان مدیریت آژانس خیررسانی باخترا را هم به پیش میبرد.

استاد پژوهاک در داخل و خارج از کشور به این پست ها ایفای وظیفه نموده است:

- ❖ مدیر عمومی پشتو تولنه
- ❖ مدیر عمومی نشرات ریاست مستقل مطبوعات
- ❖ مدیر عمومی سیاسی وزارت امور خارجه از 1334 الی 1337 هجری شمسی مطابق 1955 الی 1958 میلادی
- ❖ مدیر شعبه سوم سیاسی و کفیل شعبه ملل متحد در وزارت امور خارجه 1332 هجری شمسی مطابق 1953 میلادی
- ❖ سکرتر دوم و آتشی مطبوعاتی در سفارت افغانستان در لندن 1327 هجری شمسی مطابق 1948 میلادی
- ❖ کارمند موسسه بین المللی کار و کارگر در کانادا
- ❖ سکرتر فرهنگی افغانستان در واشنگتن 1329 هجری شمسی مطابق 1950 میلادی
- ❖ آتشی مطبوعاتی برای بار دوم در سفارت افغانستان در لندن 1329 الی 1332 هجری شمسی مطابق 1950-1953 میلادی
- ❖ سفیر کبیر و نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل متحد 1337-1351 هجری شمسی مطابق 1958-1972 میلادی
- ❖ سفیر افغانستان در بن 1351 هجری شمسی مطابق 1972 میلادی
- ❖ سفیر افغانستان در دهلی جدید هندوستان 1352-1355 هجری شمسی مطابق 1973-1976 میلادی
- ❖ سفیر افغانستان در لندن 1356 هجری شمسی مطابق 1977 میلادی

استاد پژوهاک آثار و سروده های فراموش ناشدنی از خود به جا گذاشته است اما هیچگاه در جمع آوری این آثار و منظومه ها جناب خود شان اقدام نکرد، چنانکه در همین رابطه چنین زیبا گفته اند:

سری دارم ولی سامان نخواهم
گلستان دارم و دامان نخواهم
نکردم جمع افکار پریشان
که شاعر هستم و دیوان نخواهم

آثاریکه در اثر سعی و تلاش دوستداران استاد به شکل کتب چاپ شده، و آنها عبارت اند از:

- الف: نوشته ها و سروده های دری و پشتو:
- 1- کلمه داره روپی (درامه به زبان پشتو)
 - 2- افسانه های مردم، مجموعه داستان های کوتاه، چاپ کابل، بعداً در فرانسه به زبان فرانسوی برگردان و چاپ شده.

د پانوی شمیره: له 2 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

- 3- گل های اندیشه (مجموعه اشعار دری به کوشش غلام حضرت کوشان در کابل)
- 4- حدیث خون (مجموعه اشعار دری و پشتو در سال های جهاد به کوشش حبیب الله رفیع در پشاور)
- 5- ناهید نامه (یادنامه شهید صاعد سمبول مقاومت ملی جوانان و زنان افغانستان در برابر ارتش متجاوز شوروی به کوشش اسدالله شعور در کاتادا)

ب: آثار به زبان انگلیسی که همه در لندن چاپ شده اند:

- 6- آریانا، به زبان انگلیسی، چاپ لندن - انگلستان
- 7- افغانستان کهن، به زبان انگلیسی، چاپ لندن - انگلستان
- 8- پشتونستان، به زبان انگلیسی، چاپ لندن - انگلستان
- 9- دو مقاله مفصل در مورد مسأله و روز پشتونستان، به زبان انگلیسی، چاپ لندن - انگلستان
- 10- پشتونستان

پ: ترجمه ها:

- 11- پیشوا (ترجمه دری پیامبر اثر جبران خلیل جبران)
- 12- باغبان (ترجمه دری اثر تاگور)
- 13- گل های اندیشه، مجموعه شعری ۴
- 14- بانو بلخ، مجموعه اشعار دری و پشتو، ناشر موسسه پژواک، ۲۰۰۱ شهر پشاور
- 15- الماس ناشکن، پاسخ استاد پژواک به شاعر انگلیسی ویلیام پت روت در رابطه با مبارزین افغانستان، موسسه نشراتی پیوند، شهر ویرجینیا ۱۹۹۶ چاپ دوم سال ۲۰۰۳
- 16- آواره، داستان نشر در رادیو افغانستان بعداً از سوی مطبوعه مشرقی در ولایت ننگرهار به چاپ رسید.
- 17- گل های کوهی چاپ مجله کابل، سال ۱۳۳۸
- 18- حدیث خون، مجموعه شعری، چاپ پشاور.
- 19- مهین من، مجموعه شعری، چاپ پشاور.
- 20- احساسات و عواطف، مجموعه اشعار فلسفی.
- 21- یک زن، داستان بلند.
- 22- حوض خاص، داستان فولکلوریک در مورد حوض خاص سپین غر و چشمه سلطان پور سفلی که نزد هندوان افغان دارای احترام بسیار است.

در پهلوی این همه آثار ده ها مقاله علمی و تحقیقاتی پژواک در مجلات ادبی "کابل"، "آریانا" و سایر نشرات کشور به چاپ رسیده که امیدواریم روزی به همت جوانان اهل فرهنگ گرد آورده شود.

همانطوریکه جنگ و بدبختی نزدیک به 4 دهه اخیر، خسارات وافر و جبران ناپذیری مادی را به پیکر مادر وطن وارد نمود، با درد و اندوه فراوان گشته میتوانم، که جنگ و ویرانگری، مهاجرت های ناشی از آن، فقر و بدبختی که زاده و همقدم جنگ است سرمایه های معنوی ما را نیز به یغما برده که اعمار و جاگزینی این سرمایه های معنوی بس دشوار و حتی امکان پذیر نیست. بخش عمده سرمایه معنوی وطن را فرزندان دانشمند و آفریده های گرانبهای هنری آنها احتوا میکنند.

نسل جوان افغان که در این سالهای خانه ویرانی بزرگ شده اند، ضرورت دارند تا از زندگی راد مردان تاریخ و افتخارات فرهنگی و سیاسی خود واقف باشند، تا خدا نخواستہ روزی نرسد که جوانان این آینده سازان سرزمین محبوب ما از گذشتگان خود و کارنامه های ارزشمند شان بیخبر یا بدور بمانند.

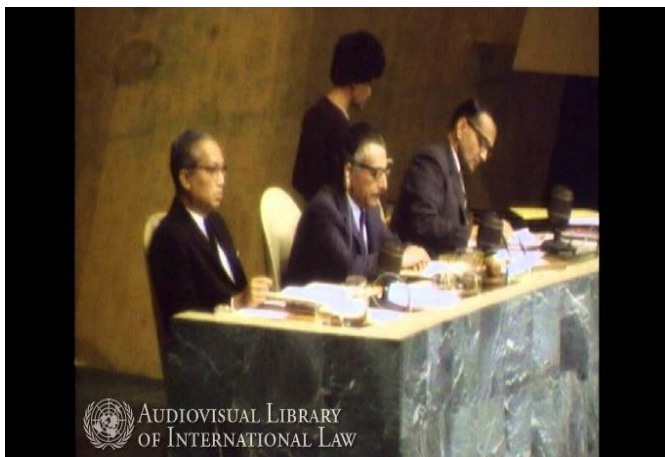
یکی از این ستون های سرمایه های معنوی صلح و ترقی وطن، شادروان استاد عبدالرحمن پژواک بود، که تلاشهای پیگیر و خستگی ناپذیر جناب شان را در معرفی افغانستان به سطح بین المللی کسی نمیتواند انکار کند. استاد پژواک مرد اندیشه و قلم بود، عمری دراز را در عرصه دیپلوماسی کار کرد، راه را برای شناخت و وسیع کشورش در سطح بین المللی باز نمود، شعر سرود، داستان ها آفرید، تحقیقات فراوان در بخش های گوناگون انجام داد، به بلند گاه ادبیات زبان فارسی دری، پشتو و انگلیسی دست یازید.

استادان و همصنفان استاد پژواک در جریان تحصیلش سجایای اخلاقی و ذکاوت او را تحسین میکردند و باور داشتند که وی آینده درخشانی پیشرو دارد. اما رویداد های نهضت امانی، شهادت برادر بزرگش در پیروزی این نهضت، درگذشت نا بهنگام پدرش حدود سالهای ۱۹۳۸/۱۹۳۹ میلادی، مسئولیت و تهیه نفقه خانواده، دلایلی بود، که مانع ادامه تحصیل او در رشته طب گردید. برخی از دوستان او به این باور اند که تشویق و توصیه های عده از شاعران آن وقت، نیز سبب شد تا وی تحصیلات خود در رشته طب نا تمام گذارد و به ادبیات و فرهنگ رو آورد.

د پاپو شمیره: له 3 تر6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ



رساندن افغانستان، در سازمان های تحت اثر سازمان ملل متحد مانند



اجنبی در کشور از یکسو و تجرید افغانستان در جامعه جهانی و نبود شخصیت پرکار و مستعد در رأس نماینده گی، موجب این همه عقبمانی و ناکاره گی آن نماینده گی گردید. در حالیکه با در نظر داشت فعالیت افغانستان در ایجاد نهضت عدم انسلاک، بیطرفی فعال سالهای پیش از ۱۹۷۸، فرهنگ کهن و موقعیت او در آسیای مرکزی، میتواند دلایل قانع کننده برای فعال بودن و داشتن موقف برارنده تر در آن سازمان باشد.

کودتای 7 ثور ۱۹۷۸ که شروع همه بدبختی ها در افغانستان پنداشته میشود، و کشور را بسوی یک بی ثباتی سوق داد، استاد پژواک هم از وظایف رسمی کناره گیری ورزید. ولی عشق او به مردمش و محبت او با خاک پاکش کاستی نپذیرفت، تا اینکه به یک سلسله کار ها و فعالیت های در عرصه حقوق بشر در افغانستان، انجام داد که موجب خشم رژیم حاکم گردید و جناب پژواک با وجود اینکه با مریضی دست و پنجه نرم میکرد به سیل مهاجرین پیوست و با علاقه به تلاش های وطنی خویش ادامه و از مبارزه اش دست نکشید.

در سالها مهاجرت مقالات او در مطبوعات بیرونی در پشاور، اروپا و امریکا به نشر میرسیدند، که بازتاب نوشته هایش مملو از عشق به وطن، محبت به وطنداران و پشتبانی از مبارزه و مقاومت ملی مردم افغانستان بود. از آنجاییکه استاد پژواک به کدام شخص، کدام حزب سیاسی و یا کدام گروهی وابسته نبود، بناعاً در آثارش کمتر از اسم خاص و یا گروهی مشخصی نام برده شده است.

جناب پژواک در نوشته های خود از کلمات **جهاد** و **مجاهد**، در مقایسه با لغات و اصطلاحات چون **مبارزه ملی**، **مقاومت ملی**، **مبارزین ملی** و **پیکار وطنی** که مفهوم وسیع تر دارند، کمتر استفاده نموده است. از کدام تنظیمی جهادی، حزبی و سازمان سیاسی از روی گرایش شخصی قدردانی نکرده، بل از هر گام وطنی، حرکت ملی و دسته جمعی پشتیبانی میکرد.

استاد پژواک وطن و وطندارانش را همیشه دوست داشت، قطع نظر از اینکه که کی از کجا و از کدام ولایت است. او با مردمش بوده و در کنار آنها از لحاظ ذهنی ایستاده بوده است.

د پانوی شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

از استاد عبدالرحمن پژواک آثار ارزشمند به جا مانده و امید است که نهاد فرهنگی و انتشاراتی «پژواک» در شهر نیویارک ایالات متحده امریکا، در چاپ و نشر آثار او که تا حال چاپ نشده است، سعی و تلاش جدی به خرج دهد.

اقبال لاهوری چنین میگوید:

**من بنده آزادم، عشق است امـــــــام من
عشق است امام من، عقل است غلام من**

استاد عبدالرحمن پژواک در رابطه به شعر اقبال لاهوری که پیام زیبایی برای جوانان است چنین گفته:

(پیـــــــام)

من مقتدی خویشم، کس نیست امــــام من
بادار ندارم من، کس نیست غلام من
از روی و ریا رستم، تا قلیله خود هستم
رو سوی دل آوردم، آنــــجاست مقام من
آداب رکوع من، خم کردن زانو نیست
بر سینه نهــــادن دست، نبود به قیام من
من چشمه خورشیدم، نه ماه فروغ اندوز
محتاج به ساقی نیست، پر بودن جــــام من
چون ثابت و سیاره، بر جــــایم و آواره
بر جبهه هر کــــوکب، ثبت است دوام من
با عــــابد فرزانه، از دور اشــــارت کن
بر عــــارف دیوانه، بفرست ســــلام من
ایــــکاش نمی بودم، انسان که نمیــــگردید
اندیشه من پخته، در فــــطرت خــــام من
"اقبال" غلامی بود، در بند امــــامی بود
من بنده آزادم، کس نیست امــــام من
"پژواک" ندای خود، هستم نه صدای غیر
پژواک جــــوانان را، این است پیــــام من

۲۴ جون ۱۹۷۷ م لندن، انگلستان

جناب استاد پژواک در ۱۳۵۷ مطابق ۱۹۷۸ میلادی از مقام سفارت استعفا داده، به کابل برگشت و در آنجا از طرف رژیم دست نشانده تره کی- امین در اقامتگاه خود نظربند گردید. این وضع تا تجاوز مستقیم روس ها به افغانستان ادامه یافت. استاد به سلسله مبارزه مخفی بر علیه اشغالگران و نظام تحت حمایت آن ها در سال ۱۳۵۹ کمیسیون دفاع از حقوق بشر در افغانستان را تاسیس کرد که نشرات و شبنامه های آن توسط همکاران کمیسیون که عبارت بودند از الحاج استاد حبیب الله رفیع، نگارنده (اسدالله شعور)، داکتر صدیق الله ویرا، نصیر هنر، انجنیر امان بیگ شیرزاد و تعدادی همکاران غیر مستقیم دیگر چاپ، پخش و توزیع می گردید و کار آن کمیسیون نیز بعد از برآمدن استاد از کشور توسط برخی از همین همکاران تا سال ۱۹۹۰ جسته و گریخته ادامه یافت.

محترم عبدالرحمن پژواک در آخرین روزهای همین سال برای گرفتن سهم مستقیم در جهاد، به بهانه مریضی به هند رفت و از طریق دفتر ملل متحد پناهنده سیاسی شد. اما از آنجایی که در دهلی دستگاه های استخباراتی کی.جی.بی و خاد وسیعاً فعالیت داشت، دستگاه استخباراتی هند نیز به تایید و طرفداری آنها کارهای ضد دولت مزدور را محدود می ساختند، پژواک به پاکستان آمد و در آنجا نیز بنابر پالیسی ضد روشنفکری و مغرضانه جنرال ضیالاحق، پژواک مدتی در اسلام آباد به عنوان اینکه میهمان رسمی دولت پاکستان است، تحت نظر قرار گرفت و بعد در پشاور علناً و بدون پرده نظربند شد تا اینکه مجبور به ترک پاکستان گردید.

د پانوی شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

استاد به امریکا رفت و به مبارزهٔ دیپلماتیک بر علیه تجاوزگران پرداخت؛ اما بیماری معده اش به سرطان تبدیل شد و در حالیکه تداوی سخت ضعیف شان ساخته بود، برای اینکه روزهای اخیر عمر را در نزدیکی میهن محبوب خویش سپری کرده باشد دوباره به پاکستان رفت و در آنجا در بستر بیماری شدید، با علاقمندی زیاد جریانات کشور را تعقیب، و برای پایان عمر دقیقه شماری می کرد. سرانجام او به ساعت چهارونیم صبح روز هجدهم جوزای ۱۳۷۴ مطابق به هشتم جون 1995 تقریباً دو ماه و چند روز بعد از وفات خانمش؛ در حیات آباد پشاور به جاودانه گی پیوست و فردای آن روز جمعه در دهکدهٔ باغبانی سرخورد ولایت ننگرهار بعد از سال ها دوری، در آغوش مهربان و پر عطوفت مادر میهن خفت. خدایش مغفور بدارد و خاطرات اش جاودان باد!

استاد واصف باختری به مناسبت وفات استاد پژواک این مرثیه را در قالب اشعار کلاسیک سرودند:

در جام جهان بین غزل خاک فگندند
زین جرعه که در ساغر پژواک فگندند
در بزم، گران سنگ ترین شیشه شکستند
و ز باغ، سبک روح ترین تاک فگندند
آن شیشه شکستند و چه ناگاه شکستند
و آن تک فگندند و چه بی باک فگندند
ز آدم چه خطا رفت که لاهوت نشینان
انگور دگر در خم افلاک فگندند
پژواک ازین ساقی و این میکه رنجید
در باده نوشینه چو تریاک فگندند
خود عربده کردند ولی تهمت آن را
بر گردن رندان عطش ناک فگندند
از مرگ چه گویی و چی نالیم که این طرح
بیرون ز نهان خانه ادراک فگندند
پیشنه قبایان نوا سنج ازین سوگ
بر جامهٔ زریفت سخن، چاک فگندند
پیمانهٔ "واصف" شود ای کاش لبالب
زان جرعه که در ساغر پژواک فگندند.

وفات استاد عبدالرحمن پژواک تنها یک حادثهٔ المناک به جامعهٔ افغانی بود، بلکه سازمان ملل متحد نیز طی جلسات مختلف از وفات استاد پژواک ضمن یادآوری از خدمات والای شان در سازمان ملل ابراز تأثر نمودند و پیام همدردی از آدرس این سازمان صادر گردید.

پایان

د پانو شمیره: له 6 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ